

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مطالعه تطبیقی الگوی بیمه‌ای تکافل و دیدگاه فقهای شیعه درباره تأمین تقابلی

ارائه‌کننده:

حجت الاسلام دکتر سید مهدی مرویان حسینی

ناقدین:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید مهدی معلمی و محسن ملکی

دبیر علمی:

حجت الاسلام دکتر علی نعمتی

مدرسه علمیه عالی نواب

فهرست مطالب

۷ طرح بحث حجت الاسلام مرویان
۸ ضرورت بحث
۹ ماهیت بیمه تکافل
۱۳ تاریخچه بیمه
۱۳ نظرات فقها در مورد تأمین تقابلی
۱۴ تطبیق تأمین تقابلی بر الگوی تکافل
۱۵ بیمه؛ عقد مستقل یا تحت دیگر عقود
۱۷ نقد حجت الاسلام و المسلمین ملکی
۱۸ بررسی لغوی و اصطلاحی تکافل
۱۹ عدم لزوم طرح عنوان تکافل و تطبیق بیمه بر عقود جاری
۲۱ لزوم وجود فضای آزاداندیشی در حوزه
۲۲ جمع‌بندی
۲۴ نقد حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید مهدی معلمی
۲۵ نکات قوت پژوهش
۲۶ پیشنهادات
۳۲ جمع‌بندی ارائه‌دهنده و سؤالات
۳۳ تکمیل و تقویت مقاله در آینده
۳۳ حل یک سوء تفاهم
۳۹ جمع‌بندی دبیر جلسه
۴۰ طرح رویکرد حداقلی و حداکثری بر اساس دایره تأسیس
۴۲ ضرورت بازنگری در الگوی بیمه
۴۴ جمع‌بندی نکات ناقدین

مقدمه

دیبرعلمی: سلام علیکم و رحمہ اللہ. اعوذ باللہ من الشیطان الرجیم. بسم اللہ الرحمن الرحیم. الحمد لله رب العالمین و الصلاه و السلام علی سیدنا و نبینا ابوالقاسم المصطفی محمد و علی آله الطیبین الطاهرین المعصومین و لاسیما بقیه الله فی الارضین مولانا امال الکوئین الحجه بن الحسن روحی و ارواح العالمین له الفداء. عرض خیرمقدم دارم خدمت همه اساتید بزرگوار و حضار عزیز در اولین کرسی علمی حوزه علمیه خراسان، کرسی ترویجی مطالعه تطبیقی الگوی بیمه ای تکافل و دیدگاه فقهای شیعه درباره تأمین تقابلی که توسط محقق ارجمند، جناب حجه الاسلام آقای سید مهدی مرویان حسینی تحقیق و تنظیم شده و برای دآوری این کرسی و نقد، در خدمت استاد بزرگوار جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای ملکی بزرگوار و جناب حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای معلمی هستیم.

این کرسی اولین کرسی از کرسی های علمی حوزه علمیه خراسان از زمان ابلاغ ماده واحده شورای عالی انقلاب فرهنگی به حوزه علمیه خراسان هست و امیدوار هستیم که فتح بابی باشد برای رونق و توسعه گفتگوهای علمی در حوزه علمیه خراسان، اعم از کرسی های نوآوری، کرسی های مناظره، کرسی های آزاداندیشی و کرسی های نظریه پردازی. مستحضر هستید که بحث تکافل، یکی از بحث های جدی در مباحث اقتصاد اسلامی هست که به عنوان بديل و جایگزینی برای الگوهای رایج بیمه در نظام سرمایه داری توسط محققان و

فعالان مسلمان در عرصه اقتصاد ارائه شده و باب پژوهش مبسوطی در اقتصاد اسلامی دارد و از زوایای مختلف به نقد تکافل نگاه شده است. اینجا، در این طرح نامه و در این پژوهش، جناب آقای مرویان، بحث تکافل را از منظر فقهای شیعه بررسی کردند و اینکه آیا امکان تأسیس عقد مستقلی به عنوان تکافل وجود دارد یا نه، در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. من مصدع شما بزرگواران نخواهم بود. فکر می‌کنم حدود ۲۰ دقیقه جناب آقای مرویان ارائه داشته باشند و بحث خودشان را مطرح بفرمایند و بعد از آن، نقد اساتید بزرگوار را به میزانی که نیاز هست، داشته باشیم. پیش‌بینی من زمان یک ربع برای ارائه نقد اساتید بزرگوار هست و ما نیازمند این هستیم که بعد از ارائه نقد اساتید، مجدداً پاسخ ارائه‌کننده بزرگوار را داشته باشیم؛ به طوری که بتوانیم ان شاء الله جلسه را تا ساعت ۱۱ تمام کنیم.

در خدمت آقای مرویان برای ارائه بحث ارزشمندتان هستیم به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.



**طرح بحث حجت الاسلام
مرویان**



عوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم. رب اشرح لی صدری و یسر لی امری و احلل عقدہ من لسانی یفقهوا قولی. عرض سلام و وقت بخیر دارم خدمت اساتید محترم و همه مهمانان و حضار گرامی و تشکر می‌کنم از دبیرخانه اجرای کرسی‌های آزاداندیشی، کرسی‌های علمی ترویجی و بحث‌های نقد علمی که این فرصت را برای برگزاری این جلسه و اولین این جلسات فراهم کردند. توفیقی بود که حقیر در خدمت عزیزان عرض ادب کنم. همان‌طور که در آیین‌نامه این کرسی‌ها مورد توجه قرار گرفته در این کرسی علمی ترویجی، یک نظریه‌ای که مورد بحث و بررسی علمی قرار گرفته و البته به تعبیر عامیانه هنوز نیاز به چکش‌کاری دارد و باید با نقدهایی که اساتید بزرگوار محبت می‌کنند و ارائه می‌فرمایند، ان شاء الله تکمیل بشود و اگر جایی نیاز به تصحیح دارد، تصحیح بشود، یک بستری هست برای به ثمر نشستن این نظریه‌ای که در این مقاله و این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. مقدمات را خلاصه کنم و نکاتی را در خصوص این پژوهش در چند قسمت خدمت شما عزیزان تقدیم کنم.

ضرورت بحث

نکته اول که فاضل ارجمند جناب آقای نعمتی به آن اشاره فرمودند، در خصوص اصل الگوی تکافل و سابقه به وجود آمدن این الگو در نظام بیمه‌ای از منظر فقهای اهل سنت و البته پاره‌ای فقیهان شیعه، بیمه رایج مشتمل بر یک سری از اشکالات بود؛ نظیر غرری بودن، مشتمل بودن بر ربا و اهل سنت روی خوشی را به بیمه رایج نشان نمی‌دادند؛ لذا برای از بین بردن این مشکلات و عرضه یک نظام بیمه‌ای که بتواند مبتنی بر آن دیدگاه‌های فقهی اهل سنت در جامعه اسلامی رواج پیدا کند، الگوی بیمه‌ای تکافل را ارائه کردند و به‌عنوان

بیمه اسلامی از آن یاد می‌کنند. در بسیاری از کشورهای اسلامی و در رأس آن‌ها کشور مالزی، امروز الگوی تکافل بسیار موردتوجه قرار گرفته است. اجمالاً در الگوی بیمه‌ای تکافل، یک سری افراد توافق مشترکی را با هم قرار می‌گذارند که اگر خساراتی در حوزه‌های مختلف بر آن‌ها وارد شد، در نتیجه آن توافق مشترکی که با هم کردند، تأمین این خسارات را بر عهده بگیرند؛ حالا این افراد می‌توانند احزاب مشخص باشند، ممکن است گروهی از افراد جامعه باشند، ممکن است یک سری از افرادی باشند که با هم نسبت خویشاوندی دارند در تضمین نیازهایی که بر یکدیگر وارد می‌شود، با هم قرارداد می‌کنند. اموال و دارایی‌هایی را در صندوق مشترک قرار می‌دهند که در نتیجه انباشت این سرمایه‌ها بر هم، در صورت وارد آمدن خطری یا فاجعه‌ای بر این‌ها، از قبل آن سرمایه مشترک و آن آورده مشترک، این خسارت تأمین بشود. این اجمالاً تعریف الگوی بیمه‌ای تکافل هست.

ماهیت بیمه تکافل

در بحث فقهی که در خصوص بیمه‌ای تکافل وجود دارد، سخن در این است که این تضمین متقابل را تحت چه قراردادی از عقود شرعی می‌توانیم قرار بدهیم؟ اهل سنت و به تبع آن که بعد در ایران این مسئله موردتوجه قرار گرفته است که سابقه آن تقریباً به دهه هشتاد بر می‌گردد که در آن سال‌های دهه هشتاد، پایان‌نامه‌ها و مقالات مختلفی و کتاب‌هایی در زمینه الگوی تکافل به رشته تحریر درآمده است، سعی فقها و صاحب‌نظران چه در حوزه‌های فقهی و چه در حوزه‌های حقوقی، این بوده است که الگوی تکافل را در ضمن یکی از عقود معین قرار بدهند.

ارکان الگوی تکافل

در الگوی تکافل، ما با دو جهت مواجه هستیم: یک جهت ارتباط آن متکافلین یا کسانی که با هم قرارداد تکافل می‌بندند و یک جهت ارتباط آن‌ها با صندوق تکافل است و هر دو جهت نیاز به عنوان شرعی دارد. این ارتباطی که این افرادی که سرمایه‌هایشان را در کنار هم قرار دادند، از نظر شرعی باید تحت یک عنوانی باید قرار بگیرد، این محل بحث است که چه عنوانی برای این ارتباط قرار بدهیم و در مرحله بعدی، اگر قرار شد آن صندوقی که تشکیل شده، روی این سرمایه‌ها، عملیاتی انجام دهد، با این‌ها سرمایه‌گذاری انجام بدهد، سودی کسب بشود و از آن سود، این متکافلین بهره‌مند بشوند، این، تحت چه عنوانی قرار می‌گیرد؟

مدل‌های مختلفی را پیشنهاد دادند؛ مثل اینکه متکافلین با هم مشارکت کنند و صندوق تکافل، در انجام یک عملیات سرمایه‌گذاری وکیل این‌ها باشد یا اینکه متکافلین تبرع کنند، به عنوان هبه سهم‌های خودشان را به آن صندوق پرداخت کنند. آن صندوق به عنوان مضاربه یا وکالت از جانب این‌ها عملیاتی را انجام بدهد. الگوهای مختلفی است: وقف کنند، آن صندوق به عنوان وکیل یا به عنوان عامل در قراردادی با این‌ها وارد معامله شود و مضاربه‌ای انجام بدهد. عمده تحقیقاتی هم که تا به امروز در حوزه تکافل انجام گرفته است، در خصوص تحلیل و بررسی همین الگوهای مختلف است. چرا این الگوهای مختلف، مورد توجه قرار گرفته است؟ به خاطر اشکالاتی که احیاناً ممکن است هر کدام از الگوها داشته باشند.

به عنوان نمونه اگر قصد متکافلین، تبرع باشد، در تبرع و در هبه، انگیزه مادی ملاک نیست؛ قصد قربت باید باشد؛ درحالی که در نتیجه این قرارداد، قرار

است تأمین خسارت صورت بگیرد. بعضی‌ها خواستند با هبهٔ معوض مشکلش را حل کنند.

نکتهٔ بعدی در خصوص این اشکالاتی که در مدل‌های پیشنهادی وجود دارد، آن است که بسیاری از این عقود، عقود جایز هستند و اگر احیاناً یکی از این افراد به نحوی بخواهد از عقد خارج شود، ممکن است اساس آن قرارداد با مشکل مواجه شود.

عقد صلح

در نهایت آن چیزی که امروز طبق بررسی‌هایی که شده، موردتوجه شورای فقهی بیمه قرار گرفته که وابسته به بیمهٔ مرکزی هست، بهترین راهکار را عقد صلح دانستند که این قرارداد را تحت عنوان صلح سامان‌دهی کنیم که همه آن مشکلات از بین برود. منتها اینجا هم چالشی وجود دارد و آن اینکه یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های بیمهٔ مرکزی و پژوهشکدهٔ بیمه بر ارائهٔ الگوی تکافل این است که علاوه بر گسترش چتر خدمات بیمه‌ای و متنوع‌سازی ابزارهایی که برای پوشش ریسک در بین افراد موردتوجه قرار بگیرد، بتواند ارتباطاتش را با کشورهای اسلامی و اهل سنت توسعه بدهد؛ چون آن‌ها بیمه رایج را قبول ندارند. بسیاری از شرکت‌های بیمه امروز تمایل دارند که در کشورهای مسلمان به‌عنوان نمایندگی تأسیس شرکت کنند؛ اما هیچ‌کس به آن‌ها روی خوش نشان نمی‌دهد؛ چون این‌ها بیمهٔ رایج را دارند که از نظر آن‌ها بیمهٔ رایج اشکال دارد.

اگر قرار باشد ما الگوی تکافل را جایگزین کنیم و از مدل صلح استفاده کنیم، یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی ما این هست که بسیاری از اهل سنت، صلح را مسیوق به تنازع می‌دانند و از این جهت دوباره دچار مشکل می‌شویم. خیلی از اهل سنت صلح را به‌عنوان فرع بر عقود دیگر می‌دانند. اگر

فرع بر عقود دیگر دانستیم، آن اشکالاتی که از احکام و توابع و آثار عقود دیگر بر صلح بار می‌شود، باز ممکن است برای ما مشکل بار کند.

تکافل به‌عنوان یک عقد مستقل

درهرحال از نظر علمی تلاش زیادی شده است که مدل‌های مختلفی را ارائه کنند که این اشکالات به حداقل برسد؛ اما شاید از بهترین راهکارها، می‌خواهم به قسمت اصلی پژوهش منتقل بشوم، برای تسهیل الگوی تکافل و اجرای الگوی تکافل آن است که الگوی تکافل را به‌عنوان یک عقد مستقل و تحت عنوان عناوینی که در وفای به عقد و وفای به شرط داریم، قرار بدهیم؛ کماینکه در خصوص عقد بیمه، اگرچه بعضی از فقها مثل مرحوم آقای خوئی خواستند این را تحت عنوان صلح یا ضمان قرار بدهند؛ اما بعضی مثل مرحوم امام، این را تحت عنوان یک عقد مستقل ارائه کردند. ما الگوی تکافل را هم در ضمن یک عقد مستقل ارائه کنیم. در هر دو وجهی که عرض کردم؛ یعنی ارتباط آن تکافلین، آن کسانی که آورده‌هایشان را در این صندوق قرار می‌دهند، تحت یک عقد مستقلی قرار می‌گیرد. حالا ضمن این عقد مستقل ممکن است شروطی را برای خودشان قرار بدهند و ارتباط آن‌ها با دبیرعلمی تکافل یا متصدی تکافل یا صندوق تکافل، آن هم در قالب یک عقد مستقل قرار می‌گیرد. با او به‌صورت یک عقد مستقل قرارداد می‌بندند که با این وجوه، سرمایه‌گذاری کند و از آورده‌های آن‌ها، به‌نحوی که در قرارداد شرط می‌کنند، خود او منتفع بشود و اگر باقی مانده‌ای داشت، سودها بین این‌ها تقسیم بشود. درهرحال این دو رابطه تحت دو عنوان مستقل موردتوجه قرار بگیرد.

تاریخچه بیمه

مرحوم امام و بقیه فقها، شاید سابقه این مطلب در بین فقهای شیعه به شیخ حسین حلی بر می‌گردد که این‌ها بحثی را در ضمن عقد بیمه، عقد التأمین، به‌عنوان تأمین تقابلی مطرح کردند. بعضی‌ها تحت عنوان تأمین تعاونی از این مسئله یاد کردند. به این‌که بعضی از افراد در کنار هم جمع می‌شوند و دقیقاً همان چیزی که در الگوی تکافل موردتوجه قرار گرفته است، این‌ها با هم قرارداد می‌کنند که در صورت وارد آمدن خسارت بر یکی از این افراد، خسارت را از ناحیه این وجوهی که در کنار هم قرار گرفته است، جبران کنند. این را فقهای شیعه به‌عنوان تأمین تقابلی مطرح کردند. مرحوم آقای حلی، مرحوم امام در تحریر، مرحوم آقای سبزواری در مذهب الاحکام و بعضی از معاصرین [مثل] مرحوم آقای موسوی اردبیلی، مرحوم آقای روحانی و آقای سند هم در کتاب فقه المصارف و النقود این تأمین تقابلی را مطرح کردند.

نکته‌ای که ما می‌خواهیم در اینجا ارائه کنیم این است که اولاً تأمین تقابلی می‌تواند بر الگوی تکافل منطبق شود. با توجه به تعریف‌هایی که آقایان کردند یعنی دقیقاً همان سازوکاری که در الگوی تکافل موردتوجه صاحب‌نظران حوزه بیمه و اقتصاد قرار گرفته در تأمین تقابلی هم موجود است.

نظرات فقها در مورد تأمین تقابلی

نکته بعدی هم این است که فقها به تأمین تقابلی به‌عنوان یک عقد مستقل توجه کردند. اگرچه خود مرحوم امام فرمودند که ما می‌توانیم تأمین تقابلی در ضمن شرکت و ضمان قرار بدهیم؛ اما عبارات مرحوم امام نشان‌دهنده این است که تمایل ایشان به مسئله استقلالی بودن این تأمین بسیار بیشتر است. اگر

عبارت مرحوم امام را فقط به‌عنوان نمونه خدمت شما عرض کنم، ایشان در خصوص تطبیق عنوانی که عرض کردیم، تأمین تقابلی با الگوی تکافل می‌فرماید: «الظاهر صحه التأمین بالتقابل و ذلك بان تتفق جماعه على تكوين مؤسسه فيها رأس مال مشترك لجبر خساره ترد على احدهم» یعنی همان چیزی که در تکافل وجود دارد، یک صندوقی تشکیل بشود، افراد سرمایه‌هایشان را بگذارند، اگر خسارتی بر این‌ها وارد شد، خسارت از این آورده تأمین بشود.

بعد ایشان می‌فرمایند: «و هذا أيضاً صحيح على الاظهر» همان‌طور که بیمه راجح صحیح بود، این هم صحیح است «و هو معامله مستقله» البته بعد می‌فرماید: «یمكن ان يقع بنحو عقد الضمان» یا عرض می‌شود که به نحو عقد شرکت؛ اما در نهایت ایشان می‌فرماید الاظهر اینکه این عقد، عقد مستقلی باشد که هر کدام از این طرفین، با هم قرارداد می‌کنند به اینکه از آن مال مشترک جبران خسارت کنند. «و حیثئذ یکون هذا العقد لازم»^۱ و ایشان، این عقد را هم عقد لازم معرفی می‌کند که آن اشکالات را برطرف می‌کند.

تطبیق تأمین تقابلی بر الگوی تکافل

حالا آن چیزی که در این مقاله و پژوهش خواستیم به آن اشاره کنیم این است که ما می‌توانیم عبارت تأمین تقابلی و تأمین تعاونی در بیانات فقها را اولاً بر الگوی تکافل تطبیق کنیم و دوم برای رهایی از آن چالش‌ها و اشکالاتی که پیش روی قراردادن تکافل در ضمن عقود معین قرار داده، این را به‌عنوان یک عقد مستقل تعریف کنیم. البته یک نکته‌ای اینجا هست که حالا از اسانید استفاده خواهیم کرد: اینکه آیا اصلاً ترجیحی وجود دارد که ما بتوانیم، صرف‌نظر

از آن اشکالات و بر فرض که توانستیم همه آن اشکالاتی که در نتیجه قرار گرفتن الگوی تکافل ضمن عقود معین وجود دارد، همه آن‌ها را حل کنیم. بگوییم مشکل هبه را با هبه معوض حل می‌کنیم، مشکل عقد صلح را با اینکه در نظر فقهای شیعه، عقد صلح مشکلی ندارد، حلش می‌کنیم. به اهل سنت کاری نداریم. مضاربه یک‌جور مشکلاتی دارد، شرکت و وکالت که عقد جایز است یک‌جور [مشکلاتی دارد]، هر کدام از این‌ها را حل می‌کنیم.

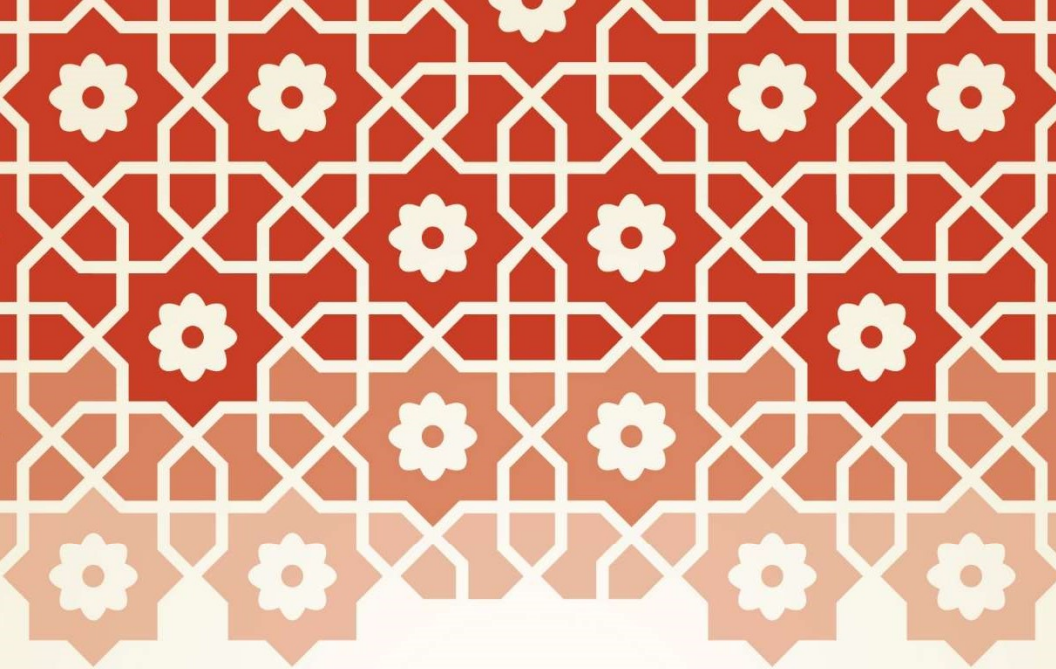
بیمه؛ عقد مستقل یا تحت دیگر عقود

آیا اینکه از نظر شرعی یک عقد جدید به‌عنوان استقلالی مطرح بشود، این بهتر است یا اینکه نه، حتماً باید تحت عقود معین باشد؟ در آن جلسه‌ای که ما خدمت برخی از اعضای پژوهشکده بیمه بودیم، آن‌ها اصرارشان بر این بود که تا ما می‌توانیم این عقد را تحت عنوان عقود معین شرعی قرار بدهیم، به این سمتی که بخواهیم عقد مستقلی را در نظر بگیریم، نرویم. یعنی تنها اشکالی که بزرگواران به عقد مستقل بودن داشتند این بود که ترجیح با این است که این را به‌عنوان یکی از عقود معین قرار بدهیم و تا جایی که امکان‌پذیر است، سراغ عقد استقلالی نرویم. این باید مورد بررسی قرار بگیرد که آیا ترجیحی وجود دارد یا نه؟


آنچه که در این مقاله آمده بود را به‌اختصار خدمتتان عرض کردم و ضمن عذرخواهی از تصدیعی که برای اساتید محترم و حضار بزرگوار ایجاد شد، از ملاحظات و ارشادات و راهنمایی‌های عزیزان استفاده می‌کنم و تشکر می‌کنم از وقتی که برای اینکه این پژوهش را بررسی کنند و ان‌شاءالله مورد نقادی قرار بدهند. ان‌شاءالله که نظرات بزرگواران، تکمیل‌کننده این طرح باشد و بتواند به‌عنوان یک راهگشا در زمینه اجرایی کردن الگوی تکافل [باشد]، که حتی

امروزه بعضی از شرکت‌های بیمه در همین دو سه ماه اخیر، الگوی تکافل را دارند اجرا می‌کنند، به‌عنوان یکی از الگوهای بیمه‌ای در کشور ارائه می‌کنند، ان‌شاءالله به‌عنوان راهگشای آن‌ها بتواند موردتوجه قرار بگیرد. و الحمدلله رب‌العالمین و صل‌الله‌علی‌محمد و آله الطاهیرین.

دبیرعلمی: طیب‌الله‌انفاسکم. خیلی متشکر از جناب آقای مرویان که وقت را رعایت فرمودند و در زمانی که مطرح شده بود، بسیار وافی به مقصود بیان مسئله و مقاله را داشتند. از حضرت استاد حاج‌آقای ملکی بزرگوار استدعا می‌کنم که نقدهای خودشان را مطرح بفرمایند. در خدمت شما [به مدت] یک ربع یا بیست دقیقه هستیم. صلواتی ختم بفرمایید.



**نقد حجت الاسلام والمسلمين
ملكى**



مقدمه

سلام علیکم و رحمه الله. بسم الله الرحمن الرحيم و لله الحمد رب العالمين و صلواته علی محمد و آله الطاهرين و لاحول و لا قوه الا بالله العلی العظيم. یکی از توفیقات این است که آدم در جمع طلبه‌ها و حجج اسلام باشد؛ نه در جمع دکتراها. در جمع طلبه، حجت الاسلام، حجت الاسلام والمسلمین و افراد فاضل. تشکر می‌کنم از این فضای گرامی حوزوی که به فکر افتادند در مباحث روز و مباحث مستحدثه تحقیق کنند. این قابل تمجید و تجلیل هست.

بحثی را هم که ارائه کردند، من می‌خواهم بگویم که ما طلبه‌ها باید ریشه‌ای‌تر، عمیق‌تر به این سری مباحث ورود پیدا کنیم و جایگاه تشیع و ولایت‌مداری را نه ولایت‌مداری را، ولایت‌مداری را در مباحث علمی‌مان، نه به‌عنوان یک تعصب کاذب یا افراطی، بلکه به‌عنوان یک اندیشه ناب تأثیرگذار حفظش کنیم.

بررسی لغوی و اصطلاحی تکافل

هیچ لزومی ندارد که عنوان تکافل را در بحث بیمه به میدان بیاوریم، به‌هیچ‌وجه! چون تکافل هم از جهت ریشه لغوی و هم از جهت اصطلاحی هیچ سازگاری با بحث بیمه و تأمین ندارد. از جهت لغوی کفالت است که بر اساس قرآن سرپرستی بر آدم‌های محجور است که هیچ توان اقتصادی ندارند، هیچ چیزی برای دادوستد ندارند. این نکته‌ای که اینجا در تفکر ولایی حائز اهمیت است، این است که اهل سنت خیلی جاها خواستند از عرفیات، سنت بسازند. معاملات، توصیلات، غالباً عرفی هستند و اسلام این‌ها را امضا کرده

است؛ خصوصاً معاملات را در بحث مالی. چون اقتصاد با نگاه اسلام دو حیثیت دارد: یک حیثیت حقوقی دارد؛ یک حیثیت می‌دانی و فرمولی دارد. در قسمت فرمولی به عرف واگذار شده است. در قسمت حقوقی اش، فقه حرف دارد. این‌ها گاهی از عرفیات سنت ساختند. نمونه واضح بحث عبادات است که کار سختی است و خیلی خلاف واقعیت‌های اعتقادی ماست که در توفیقات ورود پیدا کنیم و بر اساس عرف، سنت بسازیم؛ مثل صلوات تراویح. ماهیت صلوات تراویح چنین چیزی بود. قشنگ است. ظاهرش خوب است. همه با هم نماز می‌خوانند، [پس] سنت پیغمبر بشود.

عدم لزوم طرح عنوان تکافل و تطبیق بیمه بر عقود جاری

در بحث تکافل هم، نمی‌خواهم نگاه تعصبی داشته باشم، می‌خواهم بگویم چرا ما شیعیان ریزه‌خوار خان دیگران بشویم؟ چرا خودمان برای خودمان اصطلاح نسازیم یا اصلاً جایی که نیاز به اصطلاح ندارد [اصطلاح بسازیم]؟ بیمه و تأمین، خود تأمین جزو خدمات است. خدمات، اعتباریاتی هستند که باید بحث کنیم که این خدمات، مالیات دارند یا ندارند؟ این تأمین که خدمت هست، می‌تواند در عقد معاوضه قرار بگیرد. لزومی هم ندارد که دنبال عقدهای رایج بگردیم. این حالت‌های دگمی، به اصطلاح امروزی‌ها، از حریم ذهن ما طلبه‌ها بیرون برود. به برکت تفکر حضرت روح‌الله رضوان‌الله تعالی علیه که این را شکست. این نگاهی که ما در باب معاملات، حتماً باید تحت یکی از عناوینی که زمان پیامبر و معصومین بوده است، ببریم. چنین چیزی نیست. نخواستند در باب معاملات، توقیف بسازند. به عرف واگذار کردند؛ لذا عرف زمان ممکن است

معاملاتی را به میدان بیاورد که اسلام با این بعد حقوقی که دارد، نگاه کند و تأیید کند. رمزارزها و بحث‌های مختلفی که می‌آید و روز به روز نو می‌شود. هیچ لزومی ندارد. تأمین، خودش بهترین واژه است.

یعنی اگر قرار است [روی چنین موضوعی کار شود]، من در آن مثالی که بیمه را بحث کردم، تأمین بهترین و جامع‌ترین واژه در بحث بیمه است که روی آن کار شود. حالا اگر کسی دوست دارد، سراغ عقد صلح ببرد یا معاوضه مطلقه یا عقد جدید، عقدی که به روز است یا معاوضه‌ای است بین خدمات ویژه و پول. اگر قرار است در وادی بیمه کار کنیم، هیچ لزومی ندارد که این تکافلی را که دیگران، تعبیر من به دیگران به این جهت است که نمی‌خواهم تصریح کنم و ما تفکرمان، تفکر اهل بیتی است. پیروان مکتب اهل بیت هستیم. شیعه و علمای شیعه در فقه و در اصول جایگاه خاص خودشان را دارند. در ادبیات کار کردند، علوم تجربی است، از آن‌ها استفاده می‌کنیم. در مسائلی که پای حقوق و دین در میان می‌آید، باید روی مبانی تشیع استقامت کنیم؛ نه استقامت جاهلانۀ تعصبی. [استقامت] علمی.

بنده تمام اشکالات اهل سنت به بیمه را در یک سالی که بحث کردم، دفع کردم. تمام اشکالات را و اشکالات هم ریشه در بعضی مسائل سیاسی داشت. رفقا می‌توانند تحقیق کنند.

لذا رفیق عزیزمان، جناب حجت‌الاسلام مرویان که زحمت کشیدند، ای‌کاش سراغ خود اصل بیمه می‌رفتند و پرداختن عنوان تکافل، یک تبلیغی از طرف مقابل است که ما قرار نیست مبلغ باشیم.

لزوم وجود فضای آزاداندیشی در حوزه

من گاهی به مرحوم سید بن طاووس این ایراد را دارم که در اقبال، اکثر مطالب استحبابی و غیراستحبابی و رجائی را از اهل سنت گرفته است. چه لزومی دارد؟ یک آزاداندیشی درست در فضای حوزه لازم است. این کرسی آزاداندیشی نباید شعاری باشد. باید واقعی باشد. فضا باز بشود.

حتی با برادران اهل تسنن راحت حرف بزنیم. در حوزه خودمان وقتی حرف می‌زنیم، نگوییم فلان عالم آقا مقدس اردبیلی رضوان‌الله‌علیه، مرحوم سید بن طاووس که دستشان را می‌بوسیم، به ایشان افتخار می‌کنیم؛ اما معنایش این نیست که هر چه ایشان گفته است، وحی منزل است یا شیخ عباس قمی را که همیشه بر ایشان درود می‌فرستیم، هر چه ایشان گفته است، بگوییم دین خداست؟ طلبگی یعنی تحقیق. این عنوان پژوهش را که حوزه راه انداخته است و جناب آقای رجایی خودمان هم جزو علما و رؤسایش شده است و رفقای طلبه‌ای که در این وادی دارند کار می‌کنند، باید واقعی باشد. برایش حصار درست نکنیم. این حربۀ که با فلان بزرگ مخالفت نکنی! فلان بزرگ گفته است، این در حریم بحث‌های آخوندی هیچ جایگاهی ندارد.

دیشب یکی از طلبه‌های عراقی که فاضل هم هست و سؤال‌های عجیب و غریب می‌کند، می‌گفت غیبت، حرام هست یا نیست؟ گفتم حرام است. گفت پس چرا علما، مثلاً مرحوم شیخ مفید، سید مرتضی را ببینید، در مقابل یکدیگر تعبیراتی تند به کار می‌برند! من جواب دادم که معنایش این است که معصومین ما ۱۴ نفر هستند. بیشتر نیستند. چطور می‌شود که مثل شیخ مفید، تعبیرات تند که نزدیک به فحش است، علیه عالم دیگر در مسائل علمی به کار ببرد. این آزادی در آن زمان بوده است. در دوره شیخ مفید ببینید. هر کس هر

حرفی داشته است، می‌زده است و گاهی به مرحلهٔ پرخاشگری هم می‌رسیده است. هیچ‌گاه هم هیچ‌کس سؤال نمی‌کرده است که این عادل نیست و نمی‌توان پشت او نماز خواند.

جمع بندی

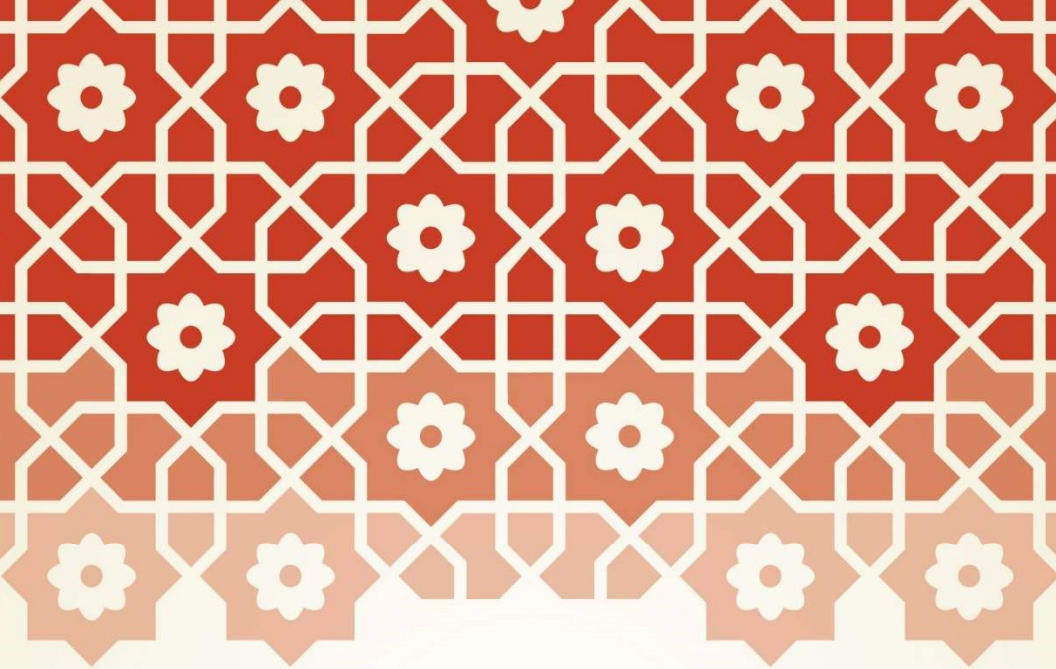
بنابراین، جناب مرویان، این عنوان تکافل را به نظر من شاخ‌وبرگ ندهید و کنار بگذارید. به اصل بحث بیمه و تأمین ورود پیدا کنید که هم از جهت لغت و هم از جهت اصطلاح، استعداد دارد که پاسخگوی هر عقده‌ای باشد که رویش سوار شود. حالا عنوان تقابل اشکال ندارد. بحث تقابل، تقریباً عنوانی لغوی است و جنبهٔ اصطلاحی پیدا نمی‌کند. می‌خواهد بیان‌کنندهٔ ماهیت بیمه و تأمین باشد. قید توضیحی است؛ اما تکافل، حساب شده است. تکافل را اگر میدان دادید، در باب اقتصاد مکتب می‌شود و بعد شعار می‌شود. نمی‌توانم همه چیز را اینجا بگویم. بلد هستید. شما فضلا اطلاع دارید که از چه چیزهایی شعار ساختند! چه مقدار با شعارهای ما مخالفت کردند! همه بلد هستیم. بسم‌الله الرحمن الرحیم را بلند بگوییم یا آهسته؟ پیامبر بلند می‌گفت یا آهسته؟

بنابراین قرار نیست که ما از عرفیات، سنت‌سازی کنیم. عرفیات در جایگاه خودشان هستند و دین این‌ها را غالباً در باب معاملات امضا می‌کند. اگر بخواهیم به عنوان تکافل بگوییم که بیمه، از سنت‌های پیغمبر است. چه می‌شود؟ صلوات تراویح می‌شود.


لذا اشاره کردن به اصل بحث خوب است؛ اما بنده به عنوان طلبهٔ آزاداندیش عرض می‌کنم که این عنوان را از حریم بیمه دور کنید. فقط روی بحث بیمه زوم کنید. چه قراردادی است؟ چطور باشد؟ مشکلاتش چیست؟ چرا اهل سنت نپذیرفتند؟ در برابرش مخالفت عجیب‌وغریبی داشتند. ربا دانستند. راحت

می‌شود اشکالات این‌ها را دفع کرد و کنار گذاشت. به نظرم این برای تحقیق و پژوهش مناسب‌تر از این است که در حوزه علمیه، آن هم در حرم امام رضا (ع) کنار مضجع نورانی حضرت رضا، تکافل را در بوق و کرنا کنیم و بزرگ کنیم تا تأیید عملی برای اندیشه فقهی دیگران بشود. و صل الله علی محمد.

دیبرعلمی: خیلی ممنون و متشکر از استاد عزیز و بزرگوار حضرت استاد ملکی بابت بیانات ارزشمندشان. دوست داشتیم بیشتر از بیانات ارزشمندشان استفاده می‌کردیم. از استاد استدعا دارم که حضرت استاد، نکات دیگری را در مورد مسئله بیمه اسلامی هم عنوان بفرمایند. جناب استاد بزرگوار، حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای معلمی، در خدمت شما برای بیانات و نقد ارزشمندتان هستیم تا پاسخ‌های آقای مرویان را داشته باشیم. حتماً از نقدهای حضار بزرگوار جلسه استفاده خواهیم کرد. صلواتی ختم کنید.



**نقد حجت الاسلام والمسلمین
دکتر سید مهدی معلمی**



مقدمه

بسم‌الله الرحمن الرحیم. و به نستعین. انه خیر ناصر و معین. بنده هم عرض ادب و احترام دارم خدمت اساتید محترم و حضار محترم و همچنین محققین و طلاب گران‌قدر که در جلسه حضور دارند. من ابتداءً از زحماتی که نویسنده محترم کشیدند، تشکر می‌کنم.

ما به‌طور کلی در کرسی‌های ترویجی، بنای بر نظریه‌پردازی نیست. مهم این است که یک پژوهشگر بتواند به‌خوبی دیدگاه‌ها را جمع‌بندی کند، دسته‌بندی کند و آن را ارائه کند. حالا اینکه دیدگاه جدیدی داشته باشد یا نداشته باشد، در کرسی ترویجی خیلی مورد تأکید نیست؛ لذا به نظر من این کار، کار بسیار خوبی است و آن مقاله‌ای که دیدم، مقاله خوبی بود. اولاً متن شما، خیلی متن قوی و خوبی است؛ یعنی جمله‌بندی درستی دارد. به قول حاج‌آقای جوادی ما در حوزه محشی زیاد داریم. ماتن کم داریم. می‌گویند شما بنویس تا ما حاشیه بزنیم. لذا اینکه ما در حوزه مواجه شدیم که یک طلبه جوان، این‌طور قلم خوب و قوی دارند، این باعث افتخار ما هست و ان‌شاءالله امیدوار هستیم که آینده خوبی داشته باشید.

نکات قوت پژوهش

به لحاظ محتوایی هم متن، یک متن اجتهادی و ارزشمندی است. محقق تلاش کرده است که با آن فنون اجتهادی خودش مسئله‌ای را حل کند و بحمدالله این متن، یک متن تقریبی هم هست و این خودش، یک نکته قوت متن هست که نویسنده محترم در عین پایبندی به اصول اجتهادی خودشان،

تلاش کرده است که در مسئله تقریب بین مذاهب هم گام بردارد. لذا به نظر من، کار، کار قابل قبول و ارزشمندی است.

پیشنهادات

اما چند پیشنهاد دارم برای اینکه ان شاء الله کار شما بهتر شود.

تقویت پیشینه

نکته اول اینکه شما در پیشینه پژوهش، خیلی ضعیف عمل کردید؛ یعنی یک مقاله آقای مهدوی و همکاران را اشاره کردید. کارهای زیادی هم در اهل سنت و هم شیعه شده است و حداقل در یک صفحه و نیم، شما باید از مهم‌ترین کسانی که در پیشینه این موضوع، پژوهش کردند، هر کدام یک گزارش یک خطی می‌دادید و در پایان نوآوری خودتان را می‌گفتید. به‌ویژه این دو کتاب را که کتاب‌های ارزشمندی است، الگوهای تأمین اجتماعی از دیدگاه اسلام و غرب که آقای سید رضا حسینی که آقای نعمتی در قم ایشان را می‌شناسند و از محققین بسیار گران‌قدری هستند. موضوع پایان‌نامه دکتری ایشان بوده است. هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه هست. عضو شورای الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی هست. بسیار توانمند است. این کتاب را حتماً ببینید. به کار شما خیلی کمک می‌کند. در منابع شما نبود.

[کتاب دیگر هم] کتاب فقه شیعه و تأمین اجتماعی که آقای علی اشرف فتحی نوشته است. البته ایشان تأمین اجتماعی را با بیمه خلط کرده است. تأمین اجتماعی با عقد التأمین فرق می‌کند؛ اما کار خوبی انجام داده است و در همین کاری که انجام داده است، در جمع‌آوری دیدگاه‌ها و نظریات کار خوبی است.

لذا پیشنهاد اول من این است که پیشینه‌تان را حتماً تقویت کنید و تمایز کار خودتان با کارهای قبلی را بنویسید.

عدم تناسب عنوان با محتوا

نکته دوم این که شما چند جا از مدل اجرایی و الگوی اجرایی صحبت کردید؛ اما در توضیح سراغ عقد و قرارداد رفتید. شما یک قرارداد دارید، یک الگوی اجرای قرارداد دارید. به نظر من عنوان الگوی اجرایی را کلاً حذف کنید. کلمه مدل اجرایی نیازی نیست. نه؛ مدل حقوقی، عقد، قرارداد. همانی که مدنظر دارید را بیاورید؛ چون خلط می‌شود. یک خواننده وقتی الگوی اجرایی را می‌بیند، توقع دارد که شما وارد شوید به اینکه این قراردادی که طراحی کردید، چطور اجرا شود که کمترین مشکل را داشته باشد و بعد که می‌خواند، می‌بیند که توقعش برآورده نشد. چرا از اول اسمش را بیاورید؟ این خیلی روی مدل اجرایی و الگوی اجرایی و کلمات این مدلی تأکید نکنید.

ضعف در مبانی فقه شافعی مالزی

نکته سوم اینکه شما روی اینکه مالزی روی این قضیه خوب کار کرده است و... به لحاظ تقریبی خوب است؛ اما مالزی، فقهبانان فقه شافعی است. مرحوم آقای موسویان هم یک دوره‌ای آنجا رفتند و همین بحث ابزارهای مالی را گذراندند، خیلی نتوانستند از آنجا چیز محصلی را برای فقه شیعه بیاورند؛ چون شافعی‌ها روی مصالح مرسله تأکید زیادی می‌کنند. اصلاً وجه تمایز فقه شافعی با بقیه فقه‌ها، [با اینکه] حتی حنفی‌ها خیلی قیاس می‌کنند؛ اما این‌ها روی مصالح مرسله تأکید زیادی می‌کنند.

لذا اگر اشاره شد، اشاره به مبنایشان هم بشود.

بیان موضع نسبت به بناء عقلاء

نکته دیگر هم اینکه شما مبانی را خیلی کم‌رنگ نوشتید. نقل اقوال کردید. بعضی از قواعد را اشاره فرمودید؛ اما چرا چنین قولی را قبول دارید یا قبول ندارید؟

بالاخره جایگاه بناء عقلاء و بناء عقلاء مستحدث در کار شما چیست؟ به قول استاد ملکی آیا اصلاً نیاز هست که برویم این را با همان عناوین قدیمی بگوییم؟ خود بناء عقلاء را دو یا سه صفحه‌ای متن خوبی بنویسید. آیا شما بناء عقلاء را به‌عنوان یک دلیل مستقل قبول دارید یا به‌عنوان یک دلیل زیر مجموعه سنت؟ چون بعضی از نوشته‌هایی که الان منتشر می‌شود و پافشاری هم می‌کند [مضمونش] این است که بناء عقلاء، خودش دلیل مستقل است و حجیت قرآن و اعجاز قرآن را با بناء عقلاء و دلیل عقلایی کشف می‌کنیم. برهان عقلی که ندارد یا مثلاً در مسئله حجیت سنت، اصل وجود حجت، عقلی است؛ اما کشف اینکه این بزرگوار حجت و معصوم هستند، با دلیل عقلایی است؛ لذا شما باید اعلام موضع بفرمایید که بناء عقلاء را آیا دلیل مستقل می‌دانید که ساختار بحث عوض می‌شود یا بناء عقلاء را شما حتماً مطابق با سنت سلف، زیرمجموعه سنت می‌دانید و باید امضای شارع را بگیرید؟ این هم یک نکته بود که به نظرم روی بحث مبانی هم یک [یا] چند صفحه‌ای در مقاله‌تان اعلام بفرمایید.

بررسی محتوای عنوان جدید از جهت سازگاری با

شروط عقود صحیح

تأسیس ۱۰۸۶ ه.ق

نکته دیگر اینکه ببینید، ما در مسئله عقود و عقود مستحدث و مستقل، مشکلی با عنوان جدید نداریم. مشکل سر این است که محتوای این عنوان جدید، بعضاً جزو عقود باطلی است که فقهای ما و قدمای ما آن را باطل می‌دانستند. الان عقدی به نام عقد استصناع هست که یکی از دوستان سبزواری خودمان که هیئت علمیه دانشگاه حضرت معصومه در قم هستند، جناب آقای دکتر صادقی، ایشان پایان‌نامه دکتری‌اش را نوشته است به نام قرارداد سفارش ساخت، کتاب خوبی هم هست. مرحوم آقای نظریور که ایشان

با حاج‌آقای موسویان، مذومند بودند و همیشه با هم بودند؛ اما یک سال قبل از آقای موسویان در سفر کربلا، در اراک ماشین چپ کرد و یک نفر هم به رحمت خدا رفت، آقای نظریور بود. یک دفعه شوکی وارد شد.

پایان‌نامه دکتري آقای نظریور همین استصناع بود که ترجمه همان سفارش ساخت است. اشکالی که آقای نظری در جلسه دفاع به‌عنوان داور در دانشگاه مفید مطرح کردند، این است که شما اسم جدید گذاشتید؛ اما محتوایش همان بیع سلم باطل است. شما می‌خواهید هم ثمن و هم مثن، مؤجل باشد. این ثمن باطل است. ببینید ما عنوان جدید بخواهیم بیاوریم، به هر عنوانی باشد، ایکس، ایگرگ، زد، تأمین، بیمه و هر عنوانی، عنوان جدید مشکلی ندارد؛ اما باید بررسی شود که این عنوان جدید، محتوایش در عقودی که عقلایی هست و حتی متونی در رابطه با آن داریم، این محتوا، تکافل باطلی نشود، صلح باطلی نشود. این نکته‌ای است که به نظر من باید روی آن توجه شود.

پیشنهاد چاپ

من مجدداً از نکات حضرت استاد تشکر می‌کنم. بهره‌مند شدیم. هم اینکه مقاله خیلی خوبی نوشتید. من معتقدم که این مقاله با یک تلاش مضاعفی قابلیت کرسی نظریه‌پردازی دارد ان‌شاءالله و کار خوبی شده است؟ جایی هم مقاله را چاپ کردید؟

حجت‌الاسلام مرویان: نه.

استاد: حتماً یک دستی به سر و رویش بکشید. مجله فقه و مبانی حقوق جامعه المصطفی خراسان، هم رتبه علمی پژوهشی دارد و هم از این مقالات ارزشمند، استقبال می‌کند. صلواتی ختم کنید.

تکمله استاد ملکی نسبت به چاپ

استاد ملکی: اگر قرار است چاپ بشود، بین الاحباب تسقط الآداب، ما طلبه‌ها تعارف نداریم. وقتی که تماس می‌گرفتند که این نوشتار هست و زحمت کشیدند، علی‌رغم اینکه بنده به‌عنوان طلبه افتخار می‌کنم به‌مثل شماهایی که در این سنین سراغ این تحقیقات می‌روید و لطف خدا در حق شماست، گفتم این متن، متنی نیست که بیاییم روی آن حرف بزنیم، نقد بکنیم، ایراد بگیریم؛ چون خیلی کوتاه و کم هست. این یک نکته و البته حاج‌آقا یک مقدار ملاحظات هم کردند و در بعضی از قسمت‌ها با تعارف گذراندند. از ادب ایشان است. من در این قسمت خیلی بی‌ادب هستم! این در شأن شما نیست. واقعاً ضعیف است. من اوله الی آخره.

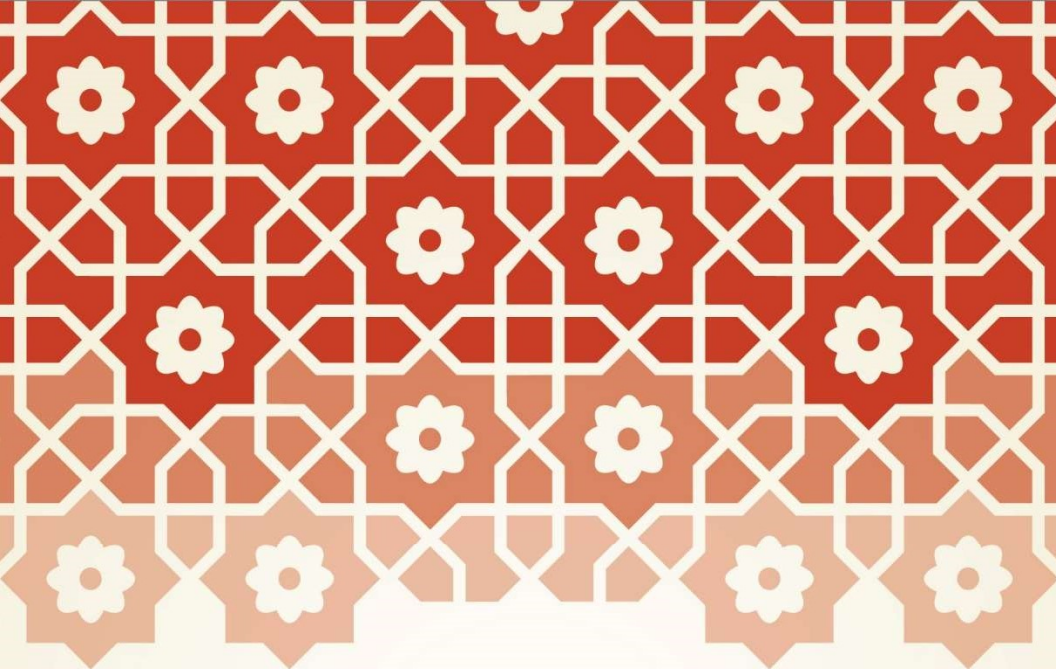
اگر قرار است چاپ بشود، به نظر می‌رسد که [بهتر است] شکلش را عوض کنید. بحث بیمه و بحث تأمین را به‌عنوان مکتب اهل بیت، اصل قرار بدهید. یک شیعه دارد می‌نویسد، این را اصل قرار بدهید، بعد اشاره کنید به تکافلی که اهل سنت می‌گویند. این را به نقد بکشید، نقدی عالمانه و دقیق. اثبات کنید که بیمه هست یا نیست، هر طور که خودتان می‌دانید. این شکلی، آن بعدی که اشاره کردم [برطرف می‌شود]. تقریب چیز خوبی است، تقریب اصلی است که باید با هم رفیق باشیم؛ اما معنایش این نیست که تابلویی که آن‌ها بلند کردند را تقویت کنیم؛ نه از جهت تعصب، [بلکه] از جهت علمی.

از جهت علمی سراغ فرآورده‌های اندیشه‌های ناب خودمان در آن حوزه برویم؛ آن هم در سنین جوانی شما می‌توانید این کار را بکنید که اصل بحث را مطرح کنید و به بحث تکافل گریز بزنید که از جهت لغوی و اصطلاحی قابلیت دارد. تعبیرات محترمانه داشته باشید. برادران اهل سنت این را آوردند. جایگاه


علمی‌اش کجاست، از جهت ریشه‌ای سنجیده بشود، در عالم اصطلاح فقه کجا می‌تواند کاربرد داشته باشد، با چه عقودی هماهنگ هست یا نیست، نقدش بکنید. این‌طور خوب است که تبدیل به مقاله بشود.

دبیر علمی: خیلی ممنون و متشکر حضرت استاد ملکی و حاج‌آقای معلمی عزیز از نکات ارزشمند و دقیق شما بزرگواران. ما می‌توانیم پاسخ‌های شما، حاج‌آقای مرویان، داشته باشیم یا احياناً اگر حضار بزرگوار، نکات و پرسش‌ها و نقدهایی دارند، بشنویم و یک جا پاسخ بفرمایید. پس اجمالاً بفرمایید تا بعد نقدهای حضار بزرگوار را داشته باشیم.





**جمع بندی ارائه دهنده و
سؤالات**



تکمیل و تقویت مقاله در آینده

خیلی متشکر از بزرگواری اساتید و لطفی که در حق حقیر کردند و نکات بسیار قابل‌توجهی را فرمودند. من فقط دو نکته عرض می‌کنم. در خصوص کم‌بودن متن که هم در ملاحظات جناب حاج‌آقای ملکی و هم حاج‌آقای معلمی مورد توجه قرار گرفت، این متن چون به‌عنوان کرسی علمی ترویجی قرار شد آماده بشود و سابقه زیادی به‌عنوان کار علمی خیلی دقیق نداشت، ما به همان مقداری که کار را برای علمی‌ترویجی انجام داده بودیم، اکتفا کردیم؛ اما بعد از آن در ذهن خود حقیر هم بوده است و با بعضی از کسانی که در این زمینه قبلاً کار کردند، از جمله آقای دکتر عسکری که الان رئیس پژوهشکده بیمه هست و در دانشگاه امام صادق مشغول است و مقالاتی در این زمینه دارد، این نوشته و نگاشته را، اسم مقاله را شاید نشود روی آن گذاشت، ایشان هم نکاتی را بیان کرده بود و بنا بر این است که ان‌شاءالله محتوا غنی و تکمیل بشود. طبیعتاً اگر قرار به چاپ باشد، هم حجم مطلب کم است و هم از جهت غنای محتوا نیاز به تکمیل دارد و شکی در آن نیست. رعایت ضوابط مجلات هم حتماً باید انجام شود.

تأسیس ۱۵۸۶ ه.ق

حل یک سوء تفاهم

نکته دوم هم عباراتنا شتی و حسنک واحد. ما شاید نتوانستیم آن چیزی که مدنظرمان بود را عرضه کنیم، چه در متن و چه در بیان قاصر حقیر؛ اما حقیقت همین نکته‌ای بود که حاج‌آقای ملکی فرمودند. یعنی ما خواستیم بگوییم اگر شما عقد تکافلی درست کردی، در فقه شیعه تأمین تقابلی با همین عنوان تأمین، در حقیقت گویای همین منظوری است که شما انجام می‌دهید و

بهتر از آن و آن اشکالات را هم رفع می‌کند و به‌جای اینکه سراغ تکافل برویم، در آن مقالات که تا به الان نوشته شده است، هیچ‌کدام به این تأمین تقابلی به‌عنوان سابقه تکافل اشاره نکردند که تأمین تقابلی در فقه شیعه می‌تواند به‌عنوان همان مقصودی که در تکافل دارید، مطرح شود.

فرمایش حضرت‌عالی درست، اگر هم قرار است شرکت بیمه ایران در آنجا نمایندگی بزند، چه اصراری دارد که عنوان تکافل را بگذارد. بگویم ما یک نمونه‌ای [به نام] تأمین تقابلی داریم. آن اشکالاتی که به نظر شما می‌رسد، این اشکالات را ندارد؛ منتها یک بحث، بحث طلبگی ماست و یک بحث، سازوکارها و مقررات نظام بیمه... است. شاید آن‌ها قبول نکنند؛ هرچند که خودشان تقاضا دادند، پیشنهاد دادند که فضایی حوزه مخصوصاً در مشهد بیایند و بحث تأمین تقابلی را اگر اصرار دارند؛ چون آن‌ها بعضی از اعضایشان نمی‌پذیرند که این تأمین تقابلی، همان تکافل است؛ اما ما آن چیزی را که داریم بررسی می‌کنیم در مواردی که خود آن‌ها از معنای تکافل ارائه می‌کنند و عباراتی که فقها دارند، تقریباً می‌شود این عنوان را تطبیق کرد.

هدف این بود که ما بگوییم تأمین تقابلی همان تکافل است و در ارائه‌اش، بله همین فرمایش حضرت استاد که جوری ما این را ارائه کنیم که تکافل در حاشیه قرار بگیرد. بگوییم اگر شما دنبال الگویی در بیمه و تأمین خسارات هستید، به‌جای آن تکافل که آن‌ها درست کردند، از تأمین تقابلی که خودمان سابقه‌اش را داریم، استفاده کنیم و آن اشکالاتی که به وجود می‌آید، با تأمین تقابلی رفع می‌شود. عنوان را تغییر بدهیم و طور دیگری ورود به بحث کنیم.

سؤالات

نقص محتوایی مقاله

یکی از حضار: بسم‌الله الرحمن الرحیم. خیلی ممنون و تشکر. به معنای حقیقی کلمه استفاده کردیم؛ ولی آنچه که متبادر است، دو تا بحث است. یک بحث تکافل، بررسی ماهیت تکافل، اشکالاتی که تکافل و... دارد و آیا این اشکالات را می‌توانیم در فقه شیعه، فقه امامیه برطرف کنیم یا نه؟ خود بررسی همین، یک بحث جداگانه‌ای است. بعد که به قول حضرت آیت‌الله ملکی بحث تکافل را نمی‌توانیم در اینجا بپذیریم، راه حل ما چیست؟ یعنی تأمین تقابلی، شما می‌گویید در پاسخ به این اشکالات [است]. تا آن بررسی، آن خودش یک مقاله مستقل است. تا آن انجام نشود، این دومی مترتب بر آن است. آسیب‌های بحث تکافل را اول باید بررسی کنید. بعد بگویید که راه ما چیست؟ این است که تأمین تقابلی داریم. آن قسمت اول را اگر انجام ندهید، دومی را بیاورید، بحث شما ابتر می‌ماند. شما هم ظاهراً نظرتان این است که تکافل را بررسی کنیم.

دبیرعلمی: خیلی ممنون. خیلی عالی. دیگر بزرگواران حاضر در جلسه [اگر نکته‌ای دارند، بفرمایند].

موضوعیت ریشه‌یابی سازوکار بیمه یا پرداختن به

ماهیت آن

یکی از حضار: بسم‌الله الرحمن الرحیم. من سؤال از حضرت استاد حجت‌الاسلام ملکی داشتم. ببخشید. من این‌طور تبادر در ذهنم شد. یک‌وقت هست که اصل بیمه را می‌خواهیم بحث کنیم. اصل بیمه در شیعه ثابت است، بحثی نداریم. بحث سر الگوی بیمه است. اینکه ما بحث می‌کنیم که آیا الگوی

بیمه، آیا می‌خواهد تکافلی باشد یا بیمه راجح باشد، حضرت استاد یک‌طوری به بیمه تکافلی نگاه کردند که انگار بیمه راجح و بیمه الان دارد سازوکار و الگومندی دارد، اجرا می‌شود، چیزی است که از دل شیعه و ادله ما درآمده است؛ در صورتی که همه ما می‌دانیم که این بحث کاملاً غربی است. یعنی این دو مدل سازوکاری که الان در حال حاضر دارد انجام می‌شود و منجر به ورشکستگی بیمه‌ها شده است، اصلاً سازوکاری نیست که از دل ادله ما شیعیان درآمده باشد. یک سازوکار غربی است. می‌خواهم بگویم چه تفاوتی وجود دارد که ما با یک مدل اهل سنت، این‌طور برخورد می‌کنیم، با مدلی که اصلاً از دل اسلام نیست؛ از یک دل یک مکتب اقتصادی غربی است، یک مقدار با ملایمت و رنگ کردن و... برخورد می‌کنیم.

حجت الاسلام ملکی: بسم الله الرحمن الرحیم. نه. این بحث الگوهایی که الان در جهان و ایران هست را کاری نداریم. در بحث کاری به این نداشتم که وضع موجود از کجا آمده است. ما هستیم و این اوضاع و احوالی که در بیمه دارد انجام می‌گیرد. باید در ماهیت آن، سراغ این برویم که بیمه، تأمین با نگاه اسلامی، دینی، عرفی وجود دارد یا ندارد. این وضع موجود مشخص است که گرفتار خیلی چیزها هست. بعد گفتیم که وقتی خواستیم موضوع سنجی کنیم، موضوع را بشناسیم، بیمه، تأمین به‌عنوان یک قرارداد، به‌عنوان یک معاوضه، به‌عنوان یک جایگاه اقتصادی که می‌خواهد موقعیت اقتصادی یک اجتماع را در یک قسمت مهم تأمین کند، می‌تواند یک عنوانی داشته باشد که آن عنوان عرفی باشد، ولو در غرب، کاری به غرب نداریم، ولو در اهل سنت و هرکجا، در عرف عنوانی قابل قبول داشته باشد و بعد سراغ کلیات فقهمان برویم و از آن

کلیات، حکمش را استخراج کنیم؛ نه این وضعیت موجود بیرونی را بگوییم که این بیمه از غرب آمده است. ما کاری به غرب نداریم.

مهم این است که روح داستان بیمه که در کره زمین پیدا شده است، ولو که جرقه‌اش در اروپا و غرب خورده است، چه ماهیتی دارد؟ ماهیتش را تشخیص بدهیم و بگوییم این احکامی را که غربی‌ها روی آن بردند، خرابش کردند. این بیمه با این تأمین با این نوع نگاه از جهت حقوق اسلامی می‌تواند یک عقد عرفی رایج باشد و شریعت همان را امضا می‌کند. کاری به وضعیت موجود ندارم که ورشکست شدند یا نشدند. کاری نداریم. من در بحث‌هایی که انجام دادم، حتی در بحث تغییر جنسیت، به بحث جنسیت موجود کار نداشتیم. [خواستیم] تغییر جنسیت را واکاوی کنیم، بشناسیم و بعد به‌عنوان یک موضوع مستحدث سراغ دین برویم. سراغ غرب و اروپا نرویم. سراغ قضاوت‌های بیرونی نرویم. خودمان مستقل به‌عنوان طلبه محقق، به ادله کلی رجوع کنیم و حکمش را استخراج کنیم.

بنابراین، این بحث تعصبی نبود که بگویید با اهل سنت و شاکله و ساختارشان تند برخورد می‌کنی و به این‌ها کار نداری. نه در این فاز نبودیم. یکی از حضار: استاد ببخشید. چیزی که من برداشت کردم، ظاهراً بیمه تکافلی در بیان یک سازوکار و یک الگوی بیمه‌ای است؛ نه در راستای اینکه بگوییم بیمه چیست. آن‌ها می‌خواستند یک الگوی بیمه‌ای ارائه بدهند و ما می‌خواهیم این الگوی بیمه‌ای را نقد و بررسی کنیم.

استاد: نه، من می‌خواهم بگوییم الگوی این تکافل است.

یکی از حضار: این الگو مبتنی بر آن است؛ ولی دنبال ارائه یک الگو هستند؛ کما اینکه ما داریم الگو ارائه می‌دهیم.

استاد: نه، اصلاً الگوی اجرایی نیست. می‌خواهیم بگوییم ماهیتش تکافل است. شما طلبه شیعه می‌خواهید بگویید ماهیتش تکافل نیست؛ ماهیتش تأمین است. فرق تأمین با تکافل چیست؟ برویم در مباحث علمی، لغت، اصطلاح و عرف تجزیه و تحلیلش کنیم.





جمع بندی دیر جلسہ



دبیر علمی: خیلی ممنون و متشکر. بقیه بزرگواران. حاج آقای یزدانی، بالاخره به عنوان استاد حقوق در جلسه شرکت دارید، قضاوت بفرمایید و از نکات حضرت عالی استفاده می‌کنیم. آقای کندری، آقای رجایی. بنده هم به عنوان احد من الحضار، چند نکته مختصری را خدمت حاج آقای مرویان عرض کنم.

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله این کرسی مصداق آن قول است که صبر من اهل و وقع فی محله که در واقع یک مسئله علمی که ممکن است در سطح یک مقاله علمی پژوهشی نباشد. این در آیین‌نامه کرسی‌های ترویجی هست. صرفاً آن چیزی که برای برگزاری یک کرسی ترویجی مورد نیاز هست، یک مکتوبه علمی هست که شاکله مقالات نوعی را داشته باشد و در چنین جلساتی مورد نقد و گفتگو قرار بگیرد و پخته شود و توسعه پیدا کند. بحمدالله این نوشته به نحو احسن مصداق این بود و معلوم شد که تشخیص کمیته محترم کرسی‌ها در دبیرخانه شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه علمیه خراسان، تشخیص کاملاً مناسبی داشتند و امیدوار هستیم که ان شاء الله گفتگوهای این جلسه به غنای این بحث و حرکتش به سمت یک کرسی نظریه‌پردازی، همان‌طور که آقای معلمی بزرگوار فرمودند، کمک بکند.

طرح رویکرد حداقلی و حداکثری بر اساس

دایره تأسیس

بنده هم در همین راستا یک نکته‌ای می‌خواهم عرض کنم. نوعاً در آن مباحث مستحدثه اقتصاد اسلامی که به نوعی به عقدی ممکن است برگردد که محققان بروند سراغ اینکه بررسی کنند که این عقد، تأسیسی است یا امضائی است یا قابل تطبیق بر عقود معینه موجود هست یا باید عقد جدیدی تأسیس

بشود، ما با یک دوگانه‌ای در دو طرف طیف مواجه هستیم. ممکن است از آن طرف که بخواهیم اصرار ذیل عقود معینه موجود تفسیر بکنیم، به تعبیر بعضی از دوستان در فضای اقتصاد اسلامی دچار روش فقهی عدم مغایرت بشویم. بعضی از دوستان این اصطلاحات را در فضای پژوهشی مطرح کردند و حاکی از یک رویکرد در فضای فقه‌های مستحدثه است که ما در تبیین پدیده‌های جدید و مستحدثه که از غرب وارد می‌شود، ببینیم که آیا مغایرت و تضادی با قواعد و عقود موجود دارد یا ندارد؟

این ممکن است به تعبیری رویکرد حداقلی باشد. از آن طرف اگر بخواهیم فضای تأسیس را باز بکنیم که به فرمایش حضرت استاد ملکی، هیچ ابایی نداریم که به‌عنوان عقد جدید مطرح بکنیم. نه، لزومی ندارد که بخواهیم در ذیل عقود قبلی این پدیده مستحدث را بررسی کنیم؛ اما یک نکته‌ای هست. من با یک مثال عرض می‌کنم. ما در باب بانکداری با یک مشکله‌ای مواجه بودیم. در عقد مضاربه و تطبیقش در فضای بانکداری اسلامی [این بود که] مضاربه در تجارت اخذ شده است. موضوع مضاربه، تجارت هست و به‌خاطر این مسئله به این سمت رفتیم که عقد جدیدی را تحت عنوان مشارکت مدنی تعریف بکنیم؛ به‌خاطر اینکه آمدم تأسیس جدیدی داشته باشیم. آن فرمایش آقای معلمی، چه‌بسا ما در آن عقد معین و قواعد فقهی قبلی، قواعدی داشته باشیم یا فراتر از قواعد، یک مبانی یا یک روح کلی بر آن عقود معین قبلی ما حاکم باشد که وقتی تأسیس می‌کنیم، غفلت می‌کنیم که آن مبانی و آن روح کلی عقود پیشین را در این تأسیس ملاحظه بکنیم.

آمدیم مشارکت مدنی را تعریف کردیم، مضاربه چه خصوصیتی داشت؟ در مضاربه به تعبیر امروزی‌ها پوئن مثبت، امتیاز و برگ برنده‌ای به نیروی کار در

برابر صاحب سرمایه داده شده است و ید عامل، ید امانی است و این خیلی متفاوت است از آن چیزی که در شرکت و این مشارکت مدنی تأسیسی [داریم]. حضرت استاد ملکی نقد بفرمایند. من به‌عنوان یک طلبه و شاگرد اقتصاد اسلامی در این مطالعاتی که داشتم، به این نکته رسیدم، آیا این طور هست یا نیست؟

آن روح حمایت از نیروی کار در برابر صاحب سرمایه را که شارع مقدس در مضاربه تعبیه فرموده بود، در این تأسیس از دست دادیم؛ لذا به فرمایش آقای معلمی اگر پژوهش را سمت این بردیم که این، یک مسئله تأسیسی است، باید بادقت بگردیم که آیا چنین موضوعی در جامعه امروزی مطرح است، ریسک‌ها و خطرهایی که متعدد هست، آتش‌سوزی هست، ازکارافتادگی هست، بیماری‌های مختلف هست، آن ریسک‌ها را می‌خواهیم پوشش بدهیم، در آموزه‌های اسلامی چه قواعدی و چه راهکارهایی و چه آموزه‌هایی داریم که می‌تواند راهنمای عمل باشد که در این تأسیس جدید، در دام مدل‌های غربی نیفتیم.

ضرورت بازنگری در الگوی بیمه

یکی از نکات بسیار مهم که می‌خواهم عرض کنم و می‌تواند مبدأ تأملات جدی قرار بگیرد این است که به‌صورت خلاصه، نظام سرمایه‌داری در موارد مختلفی سعی می‌کند از آن نیازهای جامعه، کسب‌وکاری تولید کند و فعالیت اقتصادی تعریف بکند و این یک مبنا و یک سفره جدیدی برای ساختار سرمایه‌داری قرار بگیرد. به تعبیر پولانی، یکی از اقتصاددانان بزرگ نسبتاً منتقد قرن بیستم، سرمایه‌داری چند مسئله را که این‌ها کالا نیستند را کالایی می‌کند تا به تعبیر ما کاسبی کند. یک زمین است. زمین، کالا نیست؛ اما نظام

سرمایه‌داری آن را کالا می‌کند. این تعبیر غیر از آقای پولانی، فکر و دانش و علم، کالا نیست؛ اما نظام سرمایه‌داری آن را کالا می‌کند و از قبل آن انتفاع و انحصار و... ایجاد می‌کند.

اینجا هم یک مسئله‌ای با عنوان ریسک‌ها و خطراتی را داریم که مردم در جامعه با آن مواجه هستند. چه‌بسا بشود این‌طور گفت که مسئله بیمه می‌آید از این نیاز و از خطرات مردم استفاده می‌کند و نهادی را به نام بیمه خصوصی شکل می‌دهد که این شرکت‌های بیمه یک ساختارهای معظمی در نظامات مالی نظام سرمایه‌داری هستند و یکی از ارکان بازارهای مالی، شرکت‌های بیمه هستند. از این زاویه شاید نیاز باشد که بازنگری و دقتی بکنیم که روی یک نیاز نشسته است، چه‌بسا بشود گفت، این‌ها همه‌اش فرضیه است، در نظام اسلامی با این نیاز مردم، مواجهه یک کالا نمی‌شود که بخواهد یک شرکت‌های سرمایه‌سالاری روی این نیاز بنشینند و با آن حق بیمه‌هایی که ما پرداخت می‌کنیم که شبهه غر و شبهه قمار مرتفع بشود و غول‌هایی با عنوان شرکت‌های بیمه شکل بگیرند و در خیلی از مسائل مستحدثه اقتصاد، ما یک قضیه اولیه را باید قضاوت بکنیم که آیا این مسئله، مسئله در بخش خصوصی و بازار هست یا یک مسئله‌ای در صلاحیت دولت و بخش عمومی هست یا یک مسئله‌ای در صلاحیت بخش غیرانتفاعی و خیرخواهانه هست.

این‌ها را عرض کردم، به‌خصوص آن نکته قضاوت بین تأسیسی یا امضایی بودن یا قابل تطبیق بودن بر عقود معین موجود، این‌ها باید لحاظ بشود. مسئله بیمه هم، برخی آقایان معتقدند که اگر نظام سرمایه‌داری سه تا رکن مهم داشته باشد، یکی بانک هست و یکی بورس هست و یکی بیمه است، این مظنه‌ای است و نیازمند دقت مستوفایی هست.

جمع‌بندی نکات ناقدین

[اگر بخواهم] نسبت به فرمایشات اساتید ناقد بزرگوار جمع‌بندی داشته باشم، نکته بسیار ارزشمند و دقیقی که حضرت استاد ملکی بیان فرموده بودند و برای خود بنده تازگی داشت و متفتن به آن نبودم، واژه‌شناسی این مسئله هست و اینکه تکافل و مسئله کفالت شاید در واقع فاصله زیادی از مسئله تأمین و تأمین تقابلی داشته باشد و نکات حاج‌آقای معلمی که ان‌شاءالله نیاز هست که در توسعه کار مدنظر قرار بدهید: بحث پیشینه پژوهش که باید توسعه پیدا کند. بحمدالله قلم و نگارش خیلی خوب و شیوا بود و دیدن منابع مرتبط من جمله کتاب‌هایی که اشاره فرموده بودند، کتاب آقای سید رضا حسینی و کتاب فقه شیعه و تأمین اجتماعی. نقل اقوال زیاد هست. مبانی یک مقدار باید توسعه پیدا کند و شاید تأکید زیاد بر دستاورد و پژوهش‌هایی که پژوهشگران اقتصاد اسلامی مالزی انجام ندادند، نیاز نباشد و واقعاً دوستانی که به فرمایش حاج‌آقای معلمی آنجا رفتند، دیدند که بنیه فقهی مباحث اقتصاد اسلامی آن آقایان خیلی قوی نیست و ساده‌تر با مباحث برخورد می‌کنند.

باز هم اگر سروران و عزیزان حاضر در جلسه، نکته و پرسش و نقدی دارند، استفاده می‌کنیم. حاج‌آقای مرویان اگر شما فرمایش نهایی دارید، در خدمت شما هستیم.

حجت‌الاسلام مرویان: فقط یک نکته عرض کنم و آن اینکه ضمن تشکر از حضرت‌عالی، حقیقتاً آنچه که باعث شده این الگوی بیمه‌ای امروز در نظام بیمه‌ای ایران مورد توجه قرار بگیرد، همین نکته اخیری است که جناب‌عالی فرمودید؛ یعنی آن نگاه به بیمه به‌عنوان یک استفاده ابزاری از نیاز مردم برای شرکت‌های بیمه که گاهی اوقات یک فردی در طول سال، مبالغ زیادی را

به‌عنوان حق بیمه پرداخت می‌کند و در نهایت هیچ خطری هم برای او به وجود نمی‌آید و آن کسی که سود می‌کند، شرکت بیمه است. اگر بتوانیم آن آرامش را تأمین کنیم، با اینکه آن پولی هم که داده است، به او برگردد. چه اشکالی دارد؟ اینکه سراغ آن الگو رفتند، جهت‌های مختلفی دارد؛ اما یک جهتش این است که این شرکت‌های بیمه‌ای که این قدر دارند در حقیقت با این پول گرفته شده از مردم، سرمایه‌داری می‌کنند و در خیلی از مواقع، مردم ضرر می‌کنند، این را از بین ببرد. حالا می‌خواهیم این را از بین ببریم، الگوی بیمه‌ای که در اسلام و منابع دینی سابقه دارد، همان‌طور که استاد فرمودند، ببینیم این تأمین تقابلی در آیات و روایات و سیره سابقه دارد؟ این را به‌عنوان الگو ارائه کنیم و اشکالاتی که در الگوی قبلی وجود دارد با نظامی که برخاسته از مکتب اهل بیت هست را ان‌شاءالله رفع کنیم. باز هم تشکر می‌کنم و عذرخواهی می‌کنم.

دبیر علمی: جناب استاد ملکی اگر نکته پایانی...

استاد ملکی: به نظر می‌آید شما اصرار دارید که یازده تمام شود!

دبیر علمی: نه من باب اینکه از بیانات حضرت‌عالی استفاده کنیم. من خیلی دوست داشتم، بالاخره حضرت‌عالی یک سال این بحث را داشتید. فرمایشی ندارید؟ جلسه را به برکت صلواتی بر محمد و آل محمد ختم می‌کنیم. خیلی متشکر و ممنون اساتید بزرگوار.